

بررسی وضعیت طرد اجتماعی معلولین:

مورد مطالعه معلولین جسمی و حرکتی تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان ری

غلامرضا زرین کفشیان^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۶ تاریخ تایید: ۹۵/۳/۱۳

چکیده

وضعیت طرد اجتماعی معلولین از موضوعات مهم در حیطه مطالعات ناتوانی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر در پی فهم و توصیف وضعیت طرد اجتماعی معلولین و چگونگی توزیع این مهم در بین معلولین می‌باشد. به عبارت بهتر در این پژوهش به میزان طرد معلولین از روابط و مشارکت‌های اجتماعی، تحصیلات، بازار کار و متعاقباً شرمساری معلولین پی خواهیم برد. هدف اصلی این تحقیق شناخت و بررسی توزیع ابعاد طرد اجتماعی در بین معلولین جسمی و حرکتی می‌باشد. همچنین در این تحقیق از روش کمی (پیمایش) استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق، معلولین جسمی حرکتی ۶۴-۱۵ سال می‌باشند که در بهزیستی مرکز شهرستان ری دارای پرونده هستند. حجم نمونه متشکل از ۳۶۹ نفر می‌باشد و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه می‌باشد. از نرم افزار spss نیز برای توصیف داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که معلولین طرد اجتماعی شدیدی را در همه ابعاد طرد از جمله: طرد از مشارکت‌های اجتماعی؛ بطوریکه ۶۷٫۲ درصد دارای مشارکت اجتماعی پایین می‌باشند. طرد از روابط اجتماعی؛ بطوریکه ۶۸٫۶ درصد دارای روابط اجتماعی بسیار پایین می‌باشند، طرد از بازار کار؛ بطوریکه حدود ۵۰ درصد جمعیت بیکار، و مابقی دارای اشتغال کاذب و غیر رسمی هستند، طرد از تحصیلات؛ بطوریکه سطح تحصیلات ۵۵ درصد جمعیت نمونه زیر دیپلم می‌باشد و متعاقباً احساس شرمساری اجتماعی شدیدی را تجربه می‌کنند. با توجه به حجم گسترده فقر، بیسوادی، بیکاری و همچنین فقر در روابط و مشارکت‌های اجتماعی و شرمساری در بین معلولین، و با توجه به جوان بودن جامعه آماری که نشان از روند رو به پیشرفت این خطر غیر قابل انکار دارد و اگر این روند ادامه یابد باعث طرد مطلق افراد معلول می‌شود، باید تدابیر و رویکردهای علمی برای توقف و کاهش چشم‌گیر طرد اجتماعی معلولین و متعاقباً این معضلات اتخاذ شود.

واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، معلولین جسمی حرکتی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، طرد از بازار کار، طرد از تحصیلات.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران.

مقدمه

شیوع معلولیت و ناتوانی، بسته به آن بخش مورد نظر از دنیا، جمعیت مورد مطالعه، مقیاس‌های بکار رفته و مکانیسم‌های گزارشی مورد استفاده، بین ۲ تا ۶۳ درصد جمعیت گزارش شده است. با این حال معلولیت به عنوان یک مسئله اجتماعی جهانی پدیدار می‌شود (آلبرشت، ۲۰۰۰). همچنین بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت نیز بیشتر از ۱۰ درصد تمام نفوس جهان را اشخاص دارای معلولیت تشکیل می‌دهند. هرگاه این رقم را از زاویه وسیع‌تر یعنی بُعد اجتماعی و اقتصادی عمیق‌تر مورد غور و بررسی قرار دهیم ممکن است به این رقم افزوده شود و مهم‌تر از همه اینکه آسیب پذیرترین این ۱۰ درصد در کشورهای رو به توسعه به سر می‌برند (کمالی، ۱۳۷۹).

در ایران، آمار جمعیت شناختی دقیقی در مورد معلولین وجود ندارد. آمار معلولین براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ در کشور نزدیک به یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر ثبت شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)؛ و همچنین بر اساس آماری دیگر، شیوع معلولیت در ایران حدود سه میلیون نفر گزارش شده است (نوروزی، ۱۳۸۶؛ به نقل از نصیری پور و همکاران، ۱۳۹۱). در صورتیکه برخی کارشناسان آماری معتقدند آمار واقعی معلولیت در کشور ایران بسیار بیشتر است و این آمارها در تضاد با آمارهایی است که از سوی مسئولین در سازمان بهزیستی اعلام می‌شوند. مسئولین در سازمان بهزیستی و همچنین برخی از افراد صاحب نظر، نهادها و تشکل‌های غیردولتی نیز این آمار را نادرست می‌دانند و تعداد معلولان را بیش از هفت میلیون نفر گزارش می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸، و هشت سال دفاع مقدس (۱۹۸۰-۱۹۸۸) چیزی در حدود چهارصد هزار رزمنده ی معلول بر جایی گذاشت، تعداد معلولین به طرز چشم گیری افزایش یافت (حسینی، ۲۰۰۸). با استناد به آمار سازمان جهانی بهداشت و با علم به اینکه حدود ۱۰ درصد کل جمعیت کشور را معلولین تشکیل می‌دهند، توجه به مشکلات معلولین جزء مسائل مهم و از اهمیت خاصی برخوردار است.

به هر حال با اتکا به هر آماری، معلولیت همزاد با پیدایش انسانها است و قدمتی دیرینه دارد، در هر دوره‌ای افرادی بودند که از نظر فعالیتهای اجتماعی و کنش‌های ذهنی پائین‌تر از حد معمول بودند، اما مهم این است که آنها همیشه جز مطرودین جامعه بوده اند (مانکوف و دیگران، ۲۰۱۰). افراد دچار ناتوانی، اکثراً بیکار، دارای اشتغال ناقص و از نظر اجتماعی منزوی و فقیر و کمتر تحصیلکرده و دارای برجسب یا داغ اجتماعی و محروم بوده‌اند. نرخ بیکاری آنان حداقل ۳ برابر افراد عادی می‌باشد. موضوع از دست دادن فرصت شغلی، تنها محدود به فرصتی نیست که فرد از دست می‌دهد، بلکه فرصتی است که جامعه از دست می‌دهد. نظریه پردازان استدلال

می‌کنند که معلولیت گونه‌ای از سرکوب و طرد اجتماعی است و معلولین نابرابری قابل ملاحظه‌ای را در همه ابعاد زندگی اجتماعی تجربه می‌کنند: روابط و مشارکتهای اجتماعی، تحصیل، بهداشت، اشتغال، مسکن و حمل و نقل از جمله آنان هستند (بارنز و همکاران، ۱۹۹۹). به عنوان مثال، در حالیکه ۸۱٪ از افراد غیر معلول که دارای سن مناسب برای کار هستند مشغول به کارند، تنها ۴۸٪ از معلولین مستعد مشغول به کار هستند (اسمیت و تورنی، ۲۰۰۲). در واقع ۵۰٪ از کل معلولین در فقر زندگی می‌کنند (بورچارد، ۲۰۰۰). شواهد نشان می‌دهد که نابرابری در تحصیل در همه سطوح وجود دارد و احتمال اینکه معلولین شرایط لازم را نداشته باشند بسیار بیشتر از افراد غیر معلول است (کار گروه حقوق معلولین، ۱۹۹۹).

یکی از دغدغه‌های اصلی معلولین طرد آنان از اجتماع می‌باشد. طرد افراد از گروه، باعث می‌شود معلولین تمامی مزایای روانشناختی و مادی مربوط به عضویت، مانند شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و اطلاعاتی، دسترسی به منابع و غیره را از دست بدهند. در نتیجه، نباید تعجب کرد که افراد در پی طرد اجتماعی، اغلب دچار احساس کاهش در خودکارآمدی می‌شوند (مکلو گلینولپ و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از آبرامز و همکاران، ۲۰۰۷). طرد اجتماعی بر افراد متأثر از آن بسیار ویرانگر است. ضررهای ابتدایی اجتماعی از لحاظ تحصیلی، سلامت و مسکن حاکی از طرد در آینده است. نابرابری منابع نیز فراتر از توانایی شرکت داشتن در محصولات اقتصادی است. منابع ممکن است مادی، اقتصادی، بهداشتی یا تحصیلی باشند، اما شناسایی منابع اجتماعی و روانشناختی نیز مهم است. این منابع شامل محصولاتی نمادین مانند اعتبار^۱، حرمت^۲، احترام^۳، استقلال^۴، خودمختاری^۵ و دیگر ویژگی‌ها است (تاجفل و ترنر^۶، ۱۹۷۹ به نقل از آبرامزو همکاران، ۲۰۰۷).

در واقع اثرات و تبعات این مسئله، به عنوان شاخص‌های کره المنظر توسعه نیافتگی اجتماعی، گریبانگیر کل جامعه خواهد شد. با توجه به اینکه امروز توسعه، اصلاح و بهبود حیات اجتماعی در همه جوامع مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است و توجه به معلولین و رفع معضلات و ایرادات ساختاری آنها، به عنوان یکی از گام‌های اساسی در جهت توسعه پایدار است، لذا هرگونه تلاش در جهت اصلاح، رفع و پیشگیری مسائل اجتماعی، به طور کلی و معلولین به طور خاص، به معنای تلاش در جهت رفع موانع توسعه و یا پیامدهای عقب ماندگی است. بنابراین موفقیت در امر مقابله با مسائل اجتماعی معرف موفقیت در امر توسعه و بهبود حیات

1. reputation
2. reverence
3. respect
4. independence
5. autonomy
6. Tajfel & Turner

اجتماعی جامعه است (عبداللهی، ۱۳۸۳). طرد اجتماعی با هر معیاری که اندازه‌گیری شود، یک مسئله اجتماعی جهانی است به این معنی که بیشتر به عنوان تهدیدی علیه خوشبختی شخصی، قابلیت نظام‌های بهداشتی و رفاه اجتماعی و اقتصادی تمام اجتماعات و ملت‌ها شناخته می‌شود. در واقع ناتوانی منشأ بسیاری از مسائل اجتماعی است. بنابراین اولین و مهمترین پیامد آشکار و مستمر طرد معلولین، تولید انسان‌های ناتوان است؛ یعنی بخشی از جامعه که می‌توانند به عنوان نیروی فعال و موثر برای جامعه، منشأ فعالیت‌ها و انرژی‌های مفید و ضروری گردند را تبدیل به عناصری سربار و بی‌خاصیت می‌کند (اسمیت، ۲۰۰۱).

پیشینه مطالعاتی

مطالعات داخلی: در ایران مطالعات منسجمی در حوزه طرد اجتماعی معلولین وجود ندارد. تا آنجایی که در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ها بررسی کردیم، کتاب و تحقیق مدون و مکتوب ثبت شده‌ای در این حوزه نیافتیم. منابع موجود حول محور معلولان بیشتر در حیطه توانبخشی، ورزشی، مهندسی پزشکی، معماری، حقوقی، آموزشی و تربیتی است. اندک مطالعات اجتماعی در حوزه معلولیت مثل مطالعه شریفیان ثانی و همکاران (۱۳۸۵) که به بررسی نیازها و مشکلات دختران و زنان دارای معلولیت جسمی - حرکتی، به طور کلی به اولویتهای معلولین در هر زمینه پرداخته اند همچنین. سید حسن حسینی و فاطمه صفری نیز طی تحقیقی نشان دادند که معلولیت در شرایط فقدان فرصت‌های زندگی به طرد اجتماعی منجر می‌شود. خدیجه جبلی (۱۳۸۹) نیز به بررسی تبعیض در مدارس می‌پردازد و اشاره می‌کند که ناتوانی امری است که از سوی جامعه برساخته می‌شود و حمید عبداللهی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در بررسی عوامل اجتماعی داغ زنده بر معلولیت، به مولفه‌هایی مثل، برجسپها، ترحم، رسانه‌ها و معابر اشاره کردند. در حوزه طرد اجتماعی نیز غلامرضا غفاری و همکاران (۱۳۸۴) طی تحقیق تحت عنوان شناسایی مولفه‌های محرومیت اجتماعی ابعاد مفهومی، نظری و تجربی محرومیت اجتماعی را مورد بحث و آزمون تجربی قرار دادند، وجود دارد. علیرضا صادقی (۱۳۸۸) نیز در بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی به فرآیندی بودن طرد اجتماعی اشاره دارد.

مطالعات خارجی: مطالعات خارجی، به مراتب بیشتر از مطالعات داخلی به مقوله طرد اجتماعی معلولین و عوامل موثر بر آن پرداخته اند. از جمله، اسکالی (۲۰۰۱) بر ماهیت چند وجهی فقر تاکید کرده و به تعریف فقر به مثابه طرد اجتماعی می‌پردازد. محقق در کار خود در پی شناسایی موانع فقر یا طرد اجتماعی زنان یعنی موانع اجتماعی، اقتصادی و حقوقی برآمده است. اسلند و فلوتن (۲۰۰۱) در مطالعه ای طرد اجتماعی را چند بعدی می‌دانند و برای تحلیل رابطه میان قومیت و متغیرهایی که مربوط به شرایط زندگی می‌شود آنرا عملیاتی می‌کنند.

بدین منظور طرد اجتماعی را به (۱) طرد از حقوق شهروندی رسمی (۲) طرد از بازار کار (۳) طرد از مشارکت در جامعه مدنی و (۴) طرد از عرصه‌های اجتماعی تقسیم بندی می‌کنند. اسکولین و هیلارد (۲۰۰۵) به بررسی ابعاد طرد اجتماعی براساس ۵ شاخص طرد از خدمات، بازار کار، مشارکت مدنی، حمایت اجتماعی و روابط اجتماعی است. نتایج با توجه به سن، جنس، نوع خانوار، درآمد تحلیل شده اند. باومن (۱۹۴۵) در مطالعه‌ای بر روی معلولین نشان داد که ناسازگاری‌های رفتاری شایع در معلولین مانند رفتار ناپخته، انزوای اجتماعی، پاسخهای منفی، به موقعیتهای اجتماعی و حرفه‌ای و ترس از آینده نتیجه نقص عضو و محرومیت و بیکاری در دوران معلولیت است. این در حالی است که مک دانیل (۱۹۶۹) در مطالعه‌ای نشان داد که مواظبت شدید و سخت از معلول می‌تواند بیمار را تشویق کند که اقداماتی را در مورد وضعیت و حالت خودش انجام بدهد و ممکن است وابستگی و فقدان انگیزش برای کار و زندگی را در او از بین ببرد (دانیل، ۱۹۶۹).

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق، شناخت و بررسی وضعیت طرد اجتماعی معلولین جسمی و حرکتی است.

اهداف اختصاصی تحقیق عبارتند از:

- تشخیص و توزیع ابعاد طرد اجتماعی در بین معلولین.
- بررسی و شناخت میزان طرد معلولین از تحصیلات.
- بررسی و شناخت میزان طرد معلولین از بازار کار.
- بررسی و شناخت میزان طرد معلولین از مشارکتهای اجتماعی.
- بررسی و شناخت میزان طرد معلولین از روابط و فعالیتهای اجتماعی.
- بررسی و شناخت شرمساری و بدنامی اجتماعی معلولین.

سوالات تحقیق

- توزیع ابعاد طرد اجتماعی در بین معلولین چگونه است؟
- طرد معلولین از تحصیلات به چه میزان است؟
- طرد معلولین از بازار کار به چه میزان است؟
- طرد معلولین از روابط و فعالیتهای اجتماعی به چه میزان است؟
- میزان شرمساری و بدنامی اجتماعی معلولین به چه میزان است؟

مبانی نظری

تعریف طرد اجتماعی و ابعاد آن

واژه "طرد" به این معناست که کسی یا چیزی توسط دیگری رانده شده است (گیدنز و بردسال^۱، ۱۳۸۶). طرد اجتماعی عبارتست از فرآیندی که در نتیجه آن گروه‌های اجتماعی و افراد معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند (بلیک مور^۲، ۱۳۸۵). اما این تعاریف نمی‌توانند نشان دهند که افراد مورد نظر از چه چیزی طرد شده‌اند و لازم است که تعاریف مطروحه به مسائل مربوط به آن نیز اشاره کنند. بنابراین طرد اجتماعی شامل گسست اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی میان افراد و جامعه است (پیرسون، ۲۰۰۲). طرد اجتماعی همچنین به معنای محروم شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی تعریف شده است (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴). در تعریف دیگر، طرد اجتماعی به معنای فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است (فیتز، ۱۳۸۱). یک تعریف مرسوم، طرد اجتماعی را به عنوان یک گسست از قیدهای اجتماعی تعریف می‌کند که تاکید بر روی ماهیت سازمانی و همبستگی جامعه را منعکس می‌کند. در سطحی وسیع‌تر، طرد اجتماعی به عنوان فرآیندی تعریف شده است که از طریق وظایف و تعهدات به جای ساختار اجتماعی مارشالی و هم چنین حقوق مدنی و سیاسی عمل می‌کند (آرجان دهان^۴، ۲۰۰۱).

تمامی این مباحث حول محور طرد اجتماعی به ناتوانی افراد در مشارکت در جامعه‌ای اشاره دارد که در آن زندگی می‌کنند و همچنین به ابعاد گوناگون مادی، اجتماعی و سیاسی زندگی فرد در جامعه تاثیر می‌گذارد. بنابراین برچارد، لوگراند و پیاچاد^۵ (۱۹۹۹، ۲۰۰۲) تعریفی کوتاه با تمرکز بر مشارکت، از طرد اجتماعی ارائه دادند که بر این اساس فردی از لحاظ اجتماعی طرد شده است که در فعالیت‌های اساسی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، مشارکت نمی‌کند. این به آن معناست که طرد اجتماعی متضاد شمول یا انسجام نیست بلکه مشارکت در نقطه مقابل طرد اجتماعی قرار گرفته است (آبرامز^۶، ۲۰۰۷).

تیمان (۱۹۹۳) معتقد است که طرد اجتماعی تنها مربوط به سطح درآمد نمی‌شود و به مسائل دیگری چون سلامت، تحصیلات، دسترسی به خدمات و خانواده نیز بستگی دارد. زمانی که از

-
1. Giddens and Birdsall
 2. Blake Moore
 3. Fitz
 4. Arjan de Haan
 5. Burchardt, le grand and piachaud
 6. Abrams

طرد اجتماعی سخن به میان می‌آوریم مشکل ما تنها نابرابری میان طبقه بالا و پائین جامعه نیست بلکه فاصله‌ای است که میان افراد فعال در جامعه و افراد به حاشیه رانده شده جامعه است (پیرسون، ۲۰۰۲). بنابر این زمانی که افراد از گروهی طرد می‌شوند، تمامی مزایای روانشناختی و مادی مربوط به عضویت، مانند شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و اطلاعاتی، دسترسی به منابع و غیره را از دست می‌دهند. در نتیجه، نباید تعجب کرد که افراد در پی طرد اجتماعی، اغلب دچار احساس کاهش در خودکارآمدی می‌شوند (مکلو گلینولپ و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از آبرامز و همکاران، ۲۰۰۷). طردشدگان فقط از لحاظ مادی (فقر) یا فقط از سرمایه‌های مادی مانند بازار و معامله و داد و ستدهایشان کنار نرفته اند بلکه از سرمایه‌های معنوی نیز بی بهره اند ارزش و اعتبار آنان درک نشده و در دنیای سمبولیک نیز جایی ندارند (زیرا، ۱۳۸۵). بنابراین طرد اجتماعی بر افراد متأثر از آن بسیار ویرانگر است. ضررهای ابتدایی اجتماعی از لحاظ تحصیلی، سلامت و مسکن حاکی از طرد در آینده است. نابرابری منابع نیز فراتر از توانایی شرکت داشتن در محصولات اقتصادی است. این مسئله همچنین ارزش نمادین دارد. در شرایطی که مربوط به اختلاف فردی یا تهدید به هویت شخص است، طرد احتمالاً به چالش کشیده شده و پویایی‌ها احتمالاً مربوط به جنگ بر سر اینکه چه کسی طرد می‌شود و بر چه اساسی این طرد صورت می‌گیرد، شود. علاوه بر این، این دلیلی است که نمونه‌نمایی برای خنثی کردن چنین تلاش‌هایی قدرتمند است. در این شرایط، گروه‌های مختلف، ممکن است بر روی دسترسی خود به منابع ارزشمند تمرکز کنند. این منابع ممکن است مادی، اقتصادی، بهداشتی یا تحصیلی باشند، اما شناسایی منابع اجتماعی و روانشناختی نیز مهم است. این منابع شامل محصولاتی نمادین مانند اعتبار^۱، حرمت^۲، احترام^۳، استقلال^۴، خودمختاری^۵ و دیگر ویژگی‌ها است (تاجفل و ترنر^۶، ۱۹۷۹ به نقل از آبرامز و همکاران، ۲۰۰۷).

بدنامی و شرمساری اجتماعی نیز یکی دیگر از ابعاد طرد اجتماعی محسوب می‌شود که ریشه‌های آن مربوط به تفاوت‌های فردی و گروهی است. درد و آسیب روحی که فرد بدنام در جامعه تجربه می‌کند مربوط به احساس ترحم، ترس، تنفر و عدم پذیرش سایر افراد است که بواسطه تفاوت فرد از لحاظ شخصیتی، ظاهر فیزیکی، بیماری و معلولیت، سن، جنسیت و تمایلات جنسی بروز می‌کند. می‌توان بدنامی اجتماعی را به عنوان عاملی تعریف کرد که

1. reputation
2. reverence
3. respect
4. independence
5. autonomy
6. Tajfel & Turner

شخص و یا اشخاصی را نزد سایر افراد بی اعتبار می‌کند(نولان و همکاران، ۲۰۰۶ با نقل از گراهام و همکاران^۱، ۲۰۰۳).

چارچوب نظری

بر اساس مروری بر مطالعات پیشین و تئوریهای مربوطه و با در نظر گرفتن مناسبات و ابعاد طرد اجتماعی، برای پاسخ به توزیع ابعاد طرد اجتماعی در میان معلولین از نظریات مطرح در این زمینه استفاده کردیم که این نظریات ابعاد طرد اجتماعی را شامل؛ طرد از بازار کار، طرد از روابط و مشارکتهای اجتماعی، طرد از تحصیلات و احساس شرمساری و بدنامی اجتماعی و ... می‌دانند. در این مدل از نظریات آر جان دِهان، بورچارد، لوگراند و پیچاد، روم، بریومن، رنه لنوا، پیرسون، بارون و نکوب، سیلور، مانکوف و بارنز استفاده شده است.

توزیع ابعاد طرد اجتماعی در میان معلولین

در توزیع ابعاد طرد اجتماعی در میان معلولین، نظریه پردازان استدلال می‌کنند که معلولیت گونه‌ای از سرکوب و طرد اجتماعی است و معلولین نابرابری قابل ملاحظه‌ای را در همه ابعاد زندگی اجتماعی تجربه می‌کنند: روابط و مشارکتهای اجتماعی، تحصیل، بهداشت، اشتغال، مسکن و حمل و نقل از جمله آنان هستند(بارنز و همکاران، ۱۹۹۹). به نظر اوندرو(۲۰۰۰) طرد اجتماعی با ابعاد طرد از منابع مادی، روابط اجتماعی، فعالیتهای مدنی، خدمات اساسی و روابط همسایگی فهم می‌شود(اوندرو، ۲۰۰۰ به نقل از غفاری و تاج الدین، ۱۳۸۴). رنه لنوا اذعان می‌دارد که مفهوم طرد اجتماعی برای توصیف شرایط گروهی از افراد در حاشیه جامعه استفاده می‌شود که از منابع اشتغال محروم هستند. همچنین، بارون و نکوب اظهار می‌کنند که در بسیاری از کشورها بیکاری، فقر و وابستگی از جمله مشکلات عمده‌ی اکثریت معلولین است و آنها همیشه جزء مطرودین جامعه بوده‌اند. بارنز و همکاران نیز اذعان می‌دارند که افراد دچار ناتوانی اکثراً بیکار، دارای اشتغال ناقص و از نظر اجتماعی منزوی و فقیر و کمتر تحصیلکرده و دارای برچسب یا داغ اجتماعی و محروم بوده‌اند. نرخ بیکاری آنان حداقل ۳ برابر افراد عادی می‌باشد. سیلور (۱۹۹۵) لیست مواردی که معلولین از آن محروم هستند را بر می‌شمارد: امرار معاش، امنیت، اشتغال دائمی، درآمد، اموال، اعتبار، زمین، مسکن، حداقل سطح مصرف، تحصیلات، مهارت و سرمایه فرهنگی، رفاه اجتماعی؛ حقوق شهروندی و برابری حقوقی، حضور دموکراتیک، کالاهای عمومی، نژاد ملی و یا غالب، خانواده و معاشرت اجتماعی، انسانیت، احترام، موفقیت (آبرامز و همکاران، ۲۰۰۷). آر جان دِهان نیز اذعان می‌دارد مفهوم طرد

1. Graham et al.

اجتماعی یک مفهوم چند بعدی است. معلولین از معیشت، اشتغال و بازار کار، تحصیلات، یا احترام طرد می‌شوند. بورچارد، لوگراند و پیاچاد چهار بعد را برای طرد اجتماعی متصور شده اند؛ مصرف: که از طریق توانایی در خرید کالاها و خدمات مورد نیاز مورد سنجش قرار می‌گیرد. تولید: که از طریق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی سودمند مورد سنجش قرار می‌گیرد. سیاسی: که بواسطه مشارکت و تصمیم‌گیری محلی و ملی مورد سنجش قرار می‌گیرد. اجتماعی: که بواسطه قاعده‌مندی و بسامد ملاقات با دوستان، خانواده و همسایگان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بنا به نظر روم نیز طرد عمدتاً بر مسائل رابطه‌ای (پیوندها و روابط اجتماعی ضعیف یا فقدان پیوندهای اجتماعی با خانواده، دوستان، اجتماع محلی، نهادها و یا بطور کلی جامعه‌ای که فرد بدان تعلق دارد، مشارکت اجتماعی ناکافی، بی‌قدرتی و فقدان یکپارچگی متمرکز است. همچنین در یک سطح نهادی و جامعه‌وی، معلولیت سؤالاتی درخصوص تبعیض، انگ زدن، و محروم سازی مطرح می‌کند.

تعریف مفاهیم

معلولیت

بنا به تعریف سازمان جهانی بهداشت^۱، واژه معلولیت به معنی مانع و سد است و معلول فردی است که در اثر ضایعات ارثی، بیماری یا حوادث و یا کهولت، قسمتی از امکانات بدنی یا روانی خود را به طور دائم یا موقت از دست داده و از استقلال فردی او در آموختن و یا کار کردن کاسته شده است (اعلامیه سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۷۳). بنابر تعریف کنوانسیون بین المللی حقوق معلولین (۲۰۰۶) نیز اشخاص دارای معلولیت شامل کسانی می‌شوند که دارای عارضه‌ی درازمدت فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسی می‌باشند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف شود. به بیان دیگر از نظر این سازمان معلولیت عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل ذهنی، جسمی و اجتماعی و یا ترکیبی از آنها که به نحوی در زندگی شخصی اثر سوء دارد و مانع از ادامه‌ی زندگی وی به صورت طبیعی می‌گردد و غالباً به دلیل عدم امکان زندگی مستقل از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند خدمات توانبخشی می‌باشد. همچنین معلولیت به ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از ضروریات عادی زندگی فردی یا اجتماعی گفته می‌شود که علت آن وجود یک نقص مادرزادی یا عارضی در قوای جسمانی یا روانی فرد می‌باشد. نقص عارضی ممکن است ناشی از سیر طولانی یک بیماری باشد یا نتیجه‌ی تصادفات حوادث کار، اتفاقات، جنگ و ... باشد (مانکوف و دیگران، ۲۰۱۰).

1. world health organization

طرد اجتماعی

همانطور که گفته شد، طرد اجتماعی شامل فرایندی است که افراد بوسیله آن از عدم مشارکتها و روابط اجتماعی، بازار کار، تحصیلات و متعاقباً بدنامی و شرمساری اجتماعی رنج می‌برند. اینک به تعریف ابعاد طرد اجتماعی می‌پردازیم:

مشارکت: مشارکت، فرآیند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم سازی فرصت برای رده‌های پایین جمعیتی برای بهبود شرایط زندگی آنها است (طوسی، ۱۳۷۰، به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). با الهام از تقسیم بندی اسکولین و هیلارد، مشارکت اجتماعی به دو گونه پیوندهای انجمنی و فعالیتهای اجتماعی غیر انجمنی تقسیم می‌شود (اسکولین، هیلارد، ۲۰۰۵؛ به نقل از صادقی، ۱۳۸۸).

روابط اجتماعی: افراد از طریق روابط اجتماعی و میزان تماسها و دیدارهای شان با خویشاوندان و دوستان در اجتماع ادغام شده و منابع حمایتی خود را شکل داده و حفظ می‌کنند.

شرمساری (بدنامی اجتماعی): شرمساری اجتماعی جنبه دیگری از طرد اجتماعی است و در نقطه مقابل آنچه که آدام اسمیت "توانایی ظاهر شدن در جمع بدون شرم می‌نامید، قرار دارد. این جنبه از طرد، اشاره به خصیصه عمیقاً بی اعتبار کننده یا نشانه بد نامی اجتماعی دارد که در کانون توجه دیگران قرار می‌گیرد و تعاملات خوشایند و آسان را برای فرد دشوار می‌سازد (گافمن، ۱۹۶۳؛ به نقل از صادقی، ۱۳۸۸).

شغل: هرگونه فعالیت مزدبگیری که در آن فرد به طور مستقیم کار می‌کند و بنا به تعریف مرکز آمار ایران به هر نوع فعالیت جسمی و فکری که مولد، مفید، مجاز و دارای درآمد باشد شغل می‌گویند (توسلی، ۱۳۷۵).

تحصیلات: تحصیلات، میزان سالهای آموزشی است که فرد طی دوره‌های رسمی گذرانیده است.

روش بررسی

در انجام این تحقیق از روش کمی متناسب با مراحل، اهداف و سوالات تحقیق استفاده شده است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه بوده است. جامعه آماری در این تحقیق، کلیه معلولین جسمی حرکتی ۱۵-۶۴ سال در تهران می‌باشند که در سازمان بهزیستی مرکز شهرستان ری دارای پرونده هستند. جهت تحدید جمعیت آماری، معاونت توانبخشی بهزیستی شهرستان ری، معلولین جسمی و حرکتی که در آن مرکز دارای پرونده بودند را ۵۱۷۳ نفر عنوان کرد که ۳۶۷۳ نفر از آنان بین ۶۴-۱۵ سال بودند. محقق به علت حجیم بودن جامعه

آماري با استفاده از قواعد تعيين حجم نمونه ۳۶۹ نفر را با استفاده از فرمول کوکران انتخاب کرد و پرسشنامه‌ها را از طريق نمونه‌گیری تصادفی در بين آنها توزيع کرد. همچنین برای تعیین پایایی گویه‌های پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. که نتایج این آزمون برای متغیرهای اعلام شده که همه متغیرها بالای ۰,۸ هستند و این اعداد نشان دهنده بالا بودن پایایی متغیرهاست. برای آزمون اعتبار شاخصها نیز از تحلیل عاملی استفاده گردید نتایج بار عاملی مرتبط با هر یک از گویه‌ها نیز نشان می‌دهد که بار عاملی در بیشتر گویه‌ها حتی در مقادیر بالای ۰,۸ مشاهده می‌شود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از نرم افزار SPSS ابتدا با استفاده از آماره‌های توصیفی، جداول توزیع فراوانی و شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی متغیرهای مورد سنجش محاسبه شدند.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت از تحقیق، به یافته‌های توصیفی با استفاده از جداول و شاخص‌های پراکندگی پرداخته شده است.

ویژگی‌های فردی و جمعیتی پاسخگویان

حجم نمونه متشکل از ۳۶۹ نفر می‌باشد که از این تعداد، ۲۱۹ نفر مرد و ۱۵۰ نفر زن می‌باشند که بیشتر پاسخ‌دهندگان بین سنین ۳۳-۴۰ قرار داشتند یعنی اکثراً جوان بودند و سطح تحصیلات ۵۵ درصد یعنی ۲۰۳ نفر از آنها زیر دیپلم بود که نشان از بیسوادی و کم سوادی جامعه هدف می‌باشد. حدود ۴۸ درصد یعنی ۱۸۰ نفر از پاسخگویان بیکار بودند و حدود ۳۴ درصد یعنی ۱۲۸ نفر از آنها شاغل بودند. لازم به ذکر است که افراد شاغل در نمونه، همگی مشغول به فعالیت‌های کاذب و غیر رسمی مثل کارگری، سیگار فروشی، مسافركشی و... بودند. حدود ۵۰ درصد یعنی ۱۸۷ نفر مجرد بودند که این خود نشان از مشکلات معلولین در امر ازدواج دارد. و حدود ۴۷ درصد از آنان متاهل بودند. تحصیلات والدین آنها بسیار پایین بود و میزان درآمد آنها نیز کم بود.

جنس

توزیع فراوانی و درصد مربوط به جنس پاسخگویان در جدول شماره ۱ آمده است. همانطور که مشاهده می‌گردد زنان با فراوانی ۱۵۰ نفر (۴۰,۷ درصد) از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند و همچنین مردان نیز با ۲۱۹ نفر فراوانی (۵۹,۳ درصد) از جامعه را تشکیل می‌دهند. در نتیجه بیشتر معلولین در ایران مرد هستند به عبارت دیگر، حدود ۶۰ درصد معلولین در جامعه مورد مطالعه ما را مردها تشکیل می‌دهند.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
زن	150	40.7
مرد	219	59.3
جمع	369	100.0

سن

توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب سن در جدول ۲ آمده است. همانطور که ملاحظه می‌گردد بیشتر آزمودنی‌ها در گروه سنی ۳۳-۴۱ سال قرار دارند که این نشان می‌دهد که بیشتر جامعه آماری ما را جوانان تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر بیشتر معلولین در جامعه ایران افراد جوان هستند و کمترین آزمودنی‌ها در گروه سنی ۵۱-۶۱ سال قرار دارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۵-۲۳	80	21.7	21.7
۲۴-۳۲	77	20.9	42.5
۳۳-۴۱	121	32.8	75.3
۴۲-۵۰	68	18.4	93.8
۵۱-۶۱	23	6.2	100.0
جمع	369	100.0	-
میانگین = ۳۳,۹			

سطح تحصیلات

به نقل از کارگروه حقوق معلولین (۱۹۹۹)، شواهد نشان می‌دهد که نابرابری در تحصیل در همه سطوح وجود دارد و احتمال اینکه معلولین شرایط لازم را نداشته باشند بسیار بیشتر از افراد غیر معلول است. یافته‌های تحقیق حاضر نیز این نابرابری را تایید می‌کنند. در توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب تحصیلات در جدول ۳ آمده است. همانطور که ملاحظه می‌گردد بیشتر آزمودنی‌ها تحصیلاتشان مربوط به گروه کمتر از دیپلم است که فراوانی این گروه ۲۰۳ نفر (۵۵,۰ درصد) از جامعه را به خود اختصاص داده است و این نشان می‌دهد که اکثر جامعه آماری ما را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر خیل عظیمی از معلولین در جامعه ایران بیسواد هستند و تعداد کمی از آزمودنی‌ها دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند یعنی فراوانی آن‌ها ۱۱ نفر

(۳,۰ درصد) از کل پاسخگویان را به خوداختصاص می‌دهند.

جدول ۳. توزیع فراوانی بر حسب تحصیلات

سطوح تحصیل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از دیپلم	203	55.0	55.0
دیپلم	105	28.5	83.5
فوق دیپلم	17	4.6	88.1
لیسانس	33	8.9	97.0
فوق لیسانس و بالاتر	11	3.0	100.0
جمع	369	100.0	-

وضع فعالیت (اشتغال)

همانطور که اسمیت و تورنی (۲۰۰۲) در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که در صورتیکه ۸۱٪ از افراد غیر معلول که دارای سن مناسب برای کار هستند مشغول به کارند، تنها ۴۸٪ از معلولین مستعد مشغول به کار هستند، یافته هاب تحقیق حاضر نیز نشان از طرد شدید معلولین از بازار کار دارند. به نظر فیتز (۱۳۸۱) طرد اجتماعی به معنای فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است. بطوریکه از میان معلولین جسمی و حرکتی ۳۴,۷ درصد شاغل و ۴۷,۴ درصد بیکار می‌باشند. بر حسب نتایج جدول ۴ حدود نیمی از معلولین در جامعه ما بیکارند. لازم به ذکر است که افرادی که خود را به عنوان شاغل معرفی کرده‌اند همگی مشغول شغل‌های کاذب بی‌ثبات و غیر رسمی هستند که در جدول ۵ مشاهده می‌شود که بیشتر شغل افراد در سطوح پایین شغلی قرار دارند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضع فعالیت

وضع فعالیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
شاغل	128	34.7	34.8
بیکار	175	47.4	82.3
خانه دار	26	7.0	89.4
محصل یا دانشجو	35	9.5	98.9
از کار افتاده	4	1.1	100.0
جمع	368	99.7	-

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل

درصد معتبر	درصد	فراوانی	مشاغل	معتبر
۳۰,۱	۹,۳	۴۰	کارگر	
24.8	8.7	32	کارمند	
1.6	.5	2	مهندس	
.8	.3	1	بلیط فروش	
.8	.3	1	تلفن چی	
1.6	.5	2	فروشنده	
11.6	4.1	15	ازاد	
5.4	1.9	7	مسافرکش	
2.3	.8	3	سیگارفروش	
3.9	1.4	5	بایگانی	
6.2	2.2	8	نگهبان	
2.3	.8	3	کفاش	
1.6	.5	2	مدرس دانشگاه	
1.6	.5	2	مدیر	
.8	.3	1	خیاط	
.8	.3	1	دفتردار	
.8	.3	1	مترجم	
100.0	35.0	129	جمع	
-	65.0	240	داده مقفوده	
-	100.0	369	جمع کل	

وضع تأهل

توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل در جدول شماره ۶ منعکس شده است. همانطور که مشاهده می‌شود بیشتر پاسخ دهندگان مجرد هستند (۵۰,۷ درصد) و ۴۷,۴ درصد از آنان متأهل می‌باشند. به عبارت دیگر یکی از یافته‌های جانبی تحقیق این است که معلولین در امر ازدواج دارای مشکلات حادی هستند. فراوانی پاسخگویان همسر جدا شده ۶ نفر (۱,۶ درصد) می‌باشد. همسر یک نفر از پاسخگویان نیز فوت شده است.

جدول ۶. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مجرد	187	50.7	50.7
متاهل	175	47.4	98.1
همسر جدا شده	6	1.6	99.7
همسر فوت شده	1	.3	100.0
جمع	369	100.0	-

میزان درآمد

میان فقر و معلولیت نیز، رابطه ای شوم برقرار است که نابسامانی و محرومیت را تشدید می‌کند. معلولین به علت عدم درآمد کافی، نوعی احساس محرومیت و بی عدالتی اجتماعی را تجربه می‌کنند. در مطالعه حاضر نیز توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان درآمد ماهانه خانواده آنان در جدول ۷ منعکس شده است. همانطور که ملاحظه می‌گردد میزان درآمد خانواده بیشتر پاسخ دهندگان در بین سطوح ۷۰۰-۵۰۰ هزار تومان و ۵۰۰-۲۵۰ هزار تومان می‌باشد که این می‌تواند نشانی از فقر درآمدی آن‌ها باشد. درصد فراوانی پاسخ دهندگان در سطح درآمد یک میلیون تومان به بالا ۴٫۹ درصد یعنی ۱۸ نفر می‌باشند و این نتیجه با توجه به هزینه‌های سنگین پزشکی و بهداشتی که افراد معلول با آن دست به گریبانند بسیار محدود می‌باشد.

جدول ۷. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان درآمد ماهانه

میزان درآمد	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱-۱۰۰	9	2.4	2.5	2.5
۱۰۰-۲۵۰	11	3.0	3.0	5.5
۲۵۰-۵۰۰	124	33.6	34.3	39.8
۵۰۰-۷۵۰	124	33.6	34.3	74.0
۷۵۰-۱۰۰۰	76	20.6	21.0	95.0
۱۰۰۰ به بالا	18	4.9	5.0	100.0
جمع	362	98.1	100.0	-
داده‌ی مفقوده	7	1.9	-	-
جمع کل	۳۶۹	100.0	-	-

میانگین = ۷۰۹ هزار تومان

میزان مشارکت اجتماعی معلولین

بارنز و همکاران، (۱۹۹۹) در توزیع ابعاد طرد اجتماعی در میان معلولین، استدلال می‌کنند که معلولیت گونه‌ای از سرکوب و طرد اجتماعی است و معلولین نابرابری قابل ملاحظه‌ای در روابط و مشارکتهای اجتماعی، تحصیل، بهداشت، اشتغال، مسکن و حمل و نقل از جمله آنان هستند. یافته‌های تحقیق حاضر نیز در تایید استدلالات بارنز و همکاران نشان می‌دهد که یکی از ابعاد اصلی طرد اجتماعی معلولین مورد مطالعه، طرد از مشارکتهای اجتماعی می‌باشد. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مشارکت آنان در فعالیتهای اجتماعی در جدول ۸ آمده است، شاخص‌ها مقدار مشارکت اندک پاسخگویان در فعالیتهای اجتماعی را روشن می‌کنند. در بررسی میزان مشارکت اجتماعی ۱۶۳ نفر با درصد فراوانی ۴۴,۲ درصد خیلی کم، ۸۵ نفر با درصد فراوانی ۲۳ درصد کم، ۶۶ نفر با درصد فراوانی ۱۷,۹ درصد تا حدودی، ۳۳ نفر با درصد فراوانی ۸,۹ درصد زیاد و ۲۰ نفر با درصد فراوانی ۵,۴ درصد خیلی زیاد در فعالیتهای اجتماعی مشارکت دارند.

جدول ۸. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی آنان

میزان مشارکت اجتماعی	نمره مشارکت اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
معتبر	خیلی کم	۹-۱۵	۱۶۳	۴۴.۲	۴۴.۴
	کم	۱۶-۲۱	۸۵	۲۳.۰	۶۷.۶
	تا حدودی	۲۲-۲۸	۶۶	۱۷.۹	۸۵.۶
	زیاد	۲۹-۳۵	۳۳	۸.۹	۹۴.۶
	خیلی زیاد	۳۶-۴۲	۲۰	۵.۴	۱۰۰.۰
	جمع		۳۶۷	۹۹.۵	-
	داده‌ی مفقوده		۲	.۵	-
	جمع کل		۳۶۹	۱۰۰.۰	-

میانگین = ۱۸

میزان عضویت در انجمن‌ها توسط معلولین

در تعریف مشارکت اجتماعی، عضویت در انجمن‌ها لحاظ شده است. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب عضویت در انجمن‌ها و تشکلهای و بسیج و ... در جدول شماره ۹ آمده است. همانطور که مشاهده می‌کنید تنها ۶,۲ درصد ۲۳ نفر از معلولین اعلام کردند که به عضویت یکی از انجمن‌ها در آمده‌اند و ۹۳,۸ درصد ۳۴۶ نفر از آنان عضو هیچ انجمن یا تشکلی نیستند.

مشارکت در انجمن‌ها و یکی از ابعاد مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی است، بر این اساس داده‌های این جدول پیام عدم مشارکت معلولین در فعالیت‌های اجتماعی را نشان می‌دهند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد عضویت آن‌ها در انجمن‌ها و شکل‌ها و ... در جدول ۱۱ آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود این عده خیلی هم که عضو انجمن‌ها هستند، همگی عضو انجمن‌های مربوط به معلولین می‌باشند.

جدول ۹. توزیع معلولین بر حسب عضویت در انجمن‌ها

عضویت در انجمن‌ها	فراوانی	درصد
بله	۲۳	۶,۲
خیر	۳۴۶	۹۳,۸
جمع	۳۶۹	۱۰۰

جدول ۱۰. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد عضویت در انجمن‌ها

نام انجمن	جامعه معلولین ایران	کانون معلولان شهرداری	انجمن دیستروفی	بسج	فدراسیون ورزشی	انجمن فرهنگی ورزشی	تیم‌های ورزشی	انجمن اولیا و مربیان	عضو شورا
فراوانی مشارکت	۴	۴	۲	۵	۵	۲	۴	۱	۱
نوع مشارکت	عادی		۲	۲				۱	
	فعال		۱	۳	۵	۲	۴		
	مسئول	۳							
شرکت در جلسات انجمن	بلی	۳	۳	۱	۴	۲	۲		
	خیر			۱	۱		۲	۱	۱
ارائه نظر و پیشنهاد	بلی	۳	۳	۲	۴	۲	۲		
	خیر				۱		۲	۱	۱

میزان روابط اجتماعی معلولین

به نظر اوندرو (۲۰۰۰) طرد اجتماعی با ابعاد طرد از منابع مادی، روابط اجتماعی، فعالیت‌های

مدنی، خدمات اساسی و روابط همسایگی فهم می‌شود. و معلولین از این روابط محروم هستند. یافته‌های تحقیق حاضر نیز در تایید این مطالب نشان می‌دهند که معلولین به شدت از روابط اجتماعی طرد می‌شوند. بطوریکه توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان ارتباط و روابط اجتماعی آنان در جدول شماره ۱۱ آمده است، همانطور که مشاهده می‌شود روابط اجتماعی معلولین بسیار کم است. در بررسی میزان روابط با دوستان و خویشاوندان، ۱۳۶ نفر با درصد فراوانی ۳۶٫۹ درصد از معلولین رابطه خیلی کمی با دوستان و خویشاوندان خود دارند، که این یافته نشان از ارتباطات و روابط خیلی کم معلولین دارد، ۱۱۷ نفر با درصد فراوانی ۳۱٫۷ درصد رابطه کم، ۳۶ نفر با درصد فراوانی ۹٫۸ درصد متوسط، ۵۰ نفر با درصد فراوانی ۱۳٫۶ درصد زیاد و ۲۹ نفر با درصد فراوانی ۲٫۹ درصد رابطه خیلی زیادی با دوستان و خویشاوندان خود دارند. شکل شماره ۴-۷ نیز در تایید و تکمیل جدول و مطالب بالا به صراحت نشان می‌دهد که ۶۸٫۶ درصد از معلولین رابطه خیلی کمی با دوستان و خویشاوندان خود دارند. این یافته‌ها طرد معلولین از روابط اجتماعی را تأیید می‌کنند.

در جدول ۱۲ نیز در ارتباط با متغیر ارتباط اجتماعی، تعداد دوستان افراد پاسخگو آورده شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود ۱۳۰ نفر از پاسخگویان، یعنی ۳۵ درصد آن‌ها هیچ دوستی ندارند. ۲۲ درصد نیز تنها ۱ دوست دارند و تنها ۱۶ درصد آن‌ها بیشتر از ۳ دوست در زندگی خود دارند. این متغیر نیز می‌تواند نشانه خوبی از پایین بودن ارتباط اجتماعی در بین معلولین و همچنین طرد اجتماعی آنان باشد.

جدول ۱۱. توزیع پاسخگویان بر حسب نمره شاخص ارتباط اجتماعی

میزان روابط اجتماعی	نمره ارتباط اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۹-۱۵	۱۳۶	۳۶.۹	۳۷.۰	۳۷.۰
کم	۱۶-۲۲	۱۱۷	۳۱.۷	۳۱.۸	۶۸.۸
متوسط	۲۳-۲۹	۳۶	۹.۸	۹.۸	۷۸.۵
زیاد	۳۰-۳۶	۵۰	۱۳.۶	۱۳.۶	۹۲.۱
خیلی زیاد	۳۷-۴۵	۲۹	۷.۹	۷.۹	۱۰۰.۰
جمع		۳۶۸	۹۹.۷	۱۰۰.۰	-
داده‌ی مفقوده		۱	.۳	-	-
جمع کل		۳۶۹	۱۰۰.۰	-	-

میانگین = ۲۰

جدول ۱۲. تعداد دوستان افراد مورد بررسی

دوستان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هیچ	130	35.2	35.2
۱	79	21.4	56.6
۲	53	14.4	71.0
۳	47	12.7	83.7
۳ و بیشتر	60	16.3	100.0
جمع	369	100.0	-

میزان شرمساری اجتماعی معلولین

همانطور که قبلاً گفته شد، نولان و همکاران، (۲۰۰۶) اذعان دارند که بدنامی و شرمساری اجتماعی نیز یکی دیگر از ابعاد طرد اجتماعی محسوب می‌شود. درد و آسیب روحی که فرد بدنام در جامعه تجربه می‌کند مربوط به احساس ترحم، ترس، تنفر و عدم پذیرش سایر افراد است که بواسطه تفاوت فرد از لحاظ شخصیتی، ظاهر فیزیکی، بیماری و معلولیت، سن، جنسیت و تمایلات جنسی بروز می‌کند. در تایید و تکمیل تحقیقات نولان و همکاران (۲۰۰۶) یکی دیگر از ابعاد طرد اجتماعی معلولین، احساس شرمساری و بدنامی اجتماعی می‌باشد و معلولین در مطالعه پیش رو نیز بدنامی و شرمساری اجتماعی شدیدی را تجربه می‌کنند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان شرمساری اجتماعی آنان در جدول ۱۳ آمده است. نتایج جدول نشان دهنده میزان بالای شرمساری اجتماعی معلولین می‌باشد در بررسی میزان شرمساری اجتماعی، ۴۸ نفر با درصد فراوانی ۱۳ درصد خیلی کم احساس شرمساری می‌کنند، ۶۴ نفر با درصد فراوانی ۱۷,۳ درصد کم، ۱۲۶ نفر با درصد فراوانی ۳۴,۱ درصد تا حدودی، ۱۰۴ نفر با درصد فراوانی ۲۸,۲ درصد زیاد و ۲۶ نفر با درصد فراوانی ۷ خیلی زیاد احساس شرمساری می‌کنند.

جدول ۱۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تجربه بدنامی یا شرمساری اجتماعی

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	نمره	بدنامی یا شرمساری اجتماعی	
13.0	13.0	13.0	48	۱۰-۱۷	خیلی کم	معتبر
30.4	17.4	17.3	64	۱۸-۲۵	کم	
64.7	34.2	34.1	126	۲۶-۳۳	متوسط	
92.9	28.3	28.2	104	۳۴-۴۱	زیاد	
100.0	7.1	7.0	26	۴۲-۵۰	خیلی زیاد	
-	100.0	99.7	368	جمع		
-	-	.3	1	داده‌ی مفقوده		
-	-	100.0	369	جمع کل		
میانگین = ۲۹						

نتیجه گیری

مطالعه پیش رو از چند لحاظ حائز اهمیت است؛ اولاً اینکه منابع موجود حول محور معلولان در کتابخانه ملی ایران بیشتر در حیطه توانبخشی، ورزشی، مهندسی پزشکی، معماری، حقوقی، آموزشی و تربیتی می‌باشد. در صورتیکه مطالعه پیش رو کاملاً از جنبه جامعه شناختی و فاکتورهای اجتماعی مسئله را ارزیابی می‌کند. در ثانی، ذیل موضوع کلی معلولان مجموعاً ۵۵ اثر ترجمه و تألیف به صورت کتاب موجود است که از این تعداد ۱۷ مورد در حیطه مناسب سازی فضاهای شهری و شغلی، تعداد ۶ مورد در حیطه روانشناسی، تعداد ۲۶ اثر در موضوعات توانبخشی و ورزش معلولان و ۵ اثر به صورت داستان و سایر موارد بودند و در مقالات محدود و پراکنده نیز از طرد معلولین صحبتی به میان نیامده است بلکه بیشتر از رویکرد پزشکی و فردگرایانه به معلولیت نگاه می‌کنند و برخی موارد که سعی در مطالعات اجتماعی معلولیت داشته اند، سعی در نشان دادن تنوع مشکلات و نیازهای معلولین در جامعه دارند. اولویت این نیازها و مشکلات در زمینه‌های آموزش، اشتغال، ازدواج و تشکیل خانواده، رفت و آمد، درمان و توانبخشی، اوقات فراغت و برقراری ارتباط با دیگران می‌باشد. همچنین به ناچیز بودن اقدامات حمایتی و محدودیت در اشتغال و فقر قابلیت‌های معلولان نیز پرداخته شده است. تنها تحقیقی که در حوزه طرد معلولین انجام شده است با عنوان معلولیت، فقر و طرد اجتماعی می‌باشد که علت

اصلی طرد معلولین را فقر می‌داند و اذعان می‌دارد که معلولیت در شرایط فقدان فرصت‌های زندگی به طرد اجتماعی منجر می‌شود (حسینی و صفری، ۱۳۸۷). یکی از تفاوت‌های مهم و اساسی در این تحقیق با سایر تحقیقات این است که، در مطالعات پیشین به ابعاد طرد اجتماعی به طور جامع نگاه نشده و بیشتر روابط و مشارکتهای اجتماعی به عنوان ابعاد طرد اجتماعی مطرح شده اند و سایر ابعاد طرد اجتماعی معلولین که در این مطالعه مورد سنجش قرار گرفتند، در مطالعات گذشته مغفول مانده اند.

نتایج تحقیق گویای این است که بارزترین مشخصه وضعیت اجتماعی اقتصادی معلولین این است که آنها دچار طرد اجتماعی شده‌اند. آنها در فعالیتهای اجتماعی مشارکت اندکی دارند، روابط اجتماعی آنها بسیار پایین است، اکثراً بیکار و بیسواد و یا دارای اشتغال ناقص هستند. معلولین زیربار مشاغلی با دستمزد اندک می‌روند؛ مشاغلی که از سوی افراد غیر معلول، به سادگی پر نمی‌شود و به نوعی، شغل به حساب نمی‌آیند. در تأیید مباحث بارون و نکوب (۲۰۱۰)، بیکاری، فقر و وابستگی از جمله مشکلات عمده‌ی اکثر معلولین به شمار می‌رود و به تبع آن، معلولین شرمساری و بدنامی اجتماعی شدیدی را تجربه می‌کنند. آنها با توجه به شعاع منابع حمایتی از سطح سواد پایینی برخوردارند و فرصت دسترسی کمی به اطلاعاتی را دارند که می‌تواند در شرایط آنها مؤثر باشد. در بُعد مشارکت اجتماعی، معلولین در فعالیتهای رسمی و غیر رسمی طرد اجتماعی شدیدی را تجربه می‌کنند. در نهایت اینکه معلولین به دلیل فقر و موقعیت اجتماعی خاصی که در آن به سر می‌برند در معرض تجربه تحقیر آمیز و طعنه آمیزی قرار می‌گیرند که بر کیفیت روابط بین شخصی آنها سایه می‌افکند و می‌تواند به ایجاد فاصله آنها از سایر اعضا جامعه دامن زند. با این وجود طرد معلولین پدیده‌ای موقتی و گذرا نیست، بلکه در طول دوره زندگی آنها تداوم داشته و به تدریج سرمایه‌های اقتصادی اجتماعی و روانی آنها را تحلیل برده و به‌طور فزاینده آنها را به حاشیه جامعه رانده است.

به عبارت دیگر، طرد اجتماعی معلولین به این معنا می‌باشد که روابط اجتماعی آنها بسیار پایین است، حدود ۶۸٫۸ درصد از جمعیت نمونه این تحقیق از روابط اجتماعی بسیار پایین برخوردارند. اکثراً بیکار می‌باشند بطوری که ۴۷٫۴ درصد از جمعیت نمونه این تحقیق بیکار و یا به عبارت بهتر، بیکار اجباری بودند و مابقی دارای اشتغال غیر رسمی و کاذب هستند. که به تبع این موارد، معلولین شرمساری و بدنامی اجتماعی شدیدی را تجربه می‌کنند بطوری که در یافته‌های تحقیق حدود ۴۰ درصد از معلولین شرمساری اجتماعی زیادی را تجربه می‌کنند. معلولین از سطح سواد پایینی برخوردارند، فرصت دسترسی به اطلاعاتی که شرایط آنها را می‌تواند بهبود بخشد را ندارند، بطوریکه ۵۵ درصد از معلولین سطح تحصیلات زیر دیپلم دارند.

در بُعد مشارکت اجتماعی نیز، معلولین طرد اجتماعی شدیدی را تجربه می‌کنند بطوریکه ۶۷,۲ درصد از جمعیت نمونه این تحقیق، خیلی کم در مشارکتهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی شرکت می‌کنند. به گفته الیور و بارنز (۱۹۹۹) معلولین نوعی طرد شدید را در خود تجربه می‌کنند و به طور گسترده‌ای از جهان خود خارج می‌شوند و اساساً از چارچوبها و ادغام اجتماعی کنار گذارده می‌شوند و این حالت به جدایی دائم و قطعی از جامعه اشاره دارد.

منابع

- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، *جامعه شناسی توسعه*، تهران، شرکت انتشارات کیهان.
- بلیک مور، کن (۱۳۸۵)، *مقدمه ای بر سیاست گذاری اجتماعی*، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵)، *جامعه شناسی کار و شغل*، انتشارات سمت.
- جبلی، خدیجه (۱۳۹۱)، *جامعه شناسی معلولیت*، انتشارات علمی.
- حسینی، سید حسن و صفری، فاطمه (۱۳۸۷)، *معلولیت، فقر و طرد اجتماعی*. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱
- حسینی، نگین (۱۳۹۳)، *در آمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه شناسی*. تهران: انتشارات سیمای شرق.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه شناختی*. ترجمه فاطمه گلابی. تهران: انتشارات ستوده.
- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵)، *نظریه های جامعه شناسی طردشدگان اجتماعی*، ترجمه سید حسن حسینی، انتشارات آن.
- صادقی، علیرضا (۱۳۸۸)، *بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی: مطالعه موردی زنان تحت پوشش کمیته امداد در روستاهای دهستان ملارد از شهرستان شهریار*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۳)، *طرح مسائل اجتماعی در ایران*، اهداف و ضرورتها در کتاب *مسائل اجتماعی ایران*، انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، نشر آگه
- غفاری، غلامرضا و محمد باقر تاج الدین (۱۳۸۴)، *شناسایی مولفه های محرومیت اجتماعی*، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷
- فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه، سیاست اجتماعی چیست؟*؛ ترجمه هرمز همایون پور، تهران، نشر گام نو، چاپ اول.
- قدمی، مجید (۱۳۸۵)، *بررسی مبانی نظری رویکردهای جداسازی و فراگیر سازی در آموزش و پرورش استثنایی و ارائه الگویی برای آموزش و پرورش ایران*، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت معلم.
- کرباسی، مصطفی و کیوان دواتگران (۱۳۹۰)، *کنوانسیون بین المللی حقوق معلولان و قانون جامع حمایت از حقوق معلولین*، اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بهزیستی کشور.

- کمالی، محمد (۱۳۷۹)؛ *فقر و ناتوانی در ایران*؛ مجموعه مقالات فقر در ایران زیر نظر رئیس دانا و دیگران، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۶)، *جامعه شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰
- نصیری پور، اشکان، سید جمال الدین طبیبی، ابوالحسن افکار و محمد کمالی (۱۳۹۱)، *بررسی تاثیر اجرای برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه بر وضعیت زندگی معلولان در ایران*، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شاهرود، فصلنامه دانش و تندرستی، دوره ۷، شماره ۴.
- نوری، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، *جنبه‌های روان‌شناختی ناتوانی جسمی: اشتغال به‌عنوان مهم‌ترین عامل*؛ مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد هفتم.

- Abrams D., J. Christian and D. Gordon (2007), *Multidisciplinary Handbook of Social Exclusion Research* © 2007 John Wiley & Sons, Ltd. ISBN: 978-0-470-09513-3.
- Albrecht, g. l and l.m. verbrugge (2000) "The Global Emergence Of Disability" pp293-307 in handbook of social studies in health and medicine, edited by g.l. Albrecht, r.
- Atkinson, A.B. (1998) *Poverty in Europe*, Oxford:Blackwell
- Barnes, C., Mercer, G. & Shakespeare T. (1999), *Exploring Disability: A Sociological Introduction*. Cambridge: Polity press
- Burchardt, T., Le Grand, J. and Piachaud, D. (2002), *Degrees of exclusion: developing a dynamic multidimensional measure*, in J. Hills et al. (eds) *Understanding Social Exclusion*. Oxford: Oxford University Press, pp. 30-43.
- De Haan, Arjan. (۲۰۰۱). *Social Exclusion: toward an holistic understanding of deprivation*
- DFID, *Disability, poverty and development*, February 2000
- Graham, N., Lindsay, J., Katona, C., Bertolote, M.M., Camus, V., Copeland, J.,
- Grimby, g., Finnström, and a. Jettee. (1988) "On The Application of The Who Handicap Classification In Rehabilitation" *Scandinavian journal of rehabilitation medicine* 20:93-8.
- Jennifer Mankoff, Gillian R. Hayes, Devva Kasnitz. 2010. [Disability studies as a source of critical inquiry for the field of assistive technology](#). In [ASSETS 2010](#).
- Linton, s. (2006) "claiming disability". New York: new York university press.
- Oliver, M. (1996) "Understanding disability: from theory to practice" London: Macmillan.
- Pierson, Jone (2002), *tracking social exclusion*, Rutledge
- Scullion, Fiona and Paddy Hillyard (2005), *poverty and social exclusion in northern Ireland*, northern Ireland statistics and research agency

- Siebers, Tobin (2001) "Disability in Theory: From Social Constructionism to the New Realism of the Body" American Literary History , Volume 13, Number 4, Winter 2001
- Silver, H. (1994), "Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms", IILS Discussion Papers No 69. Geneva: ILO.
- Skalli louban H (2001), "Women and poverty in Morocco: the many faces of social exclusion," feminist review No. 69
- Smith, A. & Tworney, B. (2002) "Labour market experiences of people with disabilities" Labour Market Trends 110 (8) London: ONS
- Turner bryan s. (1994), disability and the sociology of the body.
- World Health Organization, "World report on disability", Geneva, 2011.